

انسان و هنر

وقتی زبان از گفتن باز میماند شعر و نقاشی و موسیقی بیانگر احساس میشود.

موضوعی که مدتها مورد بحث و بررسی واقع شده است این بود ه است که هنر غریزه بشری است یا از مصنوعات انسان است. در نتیجه بررسیها معلوم گردیده که هنر زمانی به وجود آمده که انسان خواسته است خود را بیاراید و زیبا جلوه کند و نظر دیگران را جلب نماید یا افکار خود را به معرض نمایش بگذارد. طفل چهار ساله که پس از خوردن نان با خمیر وسط آن، گلوله هایی میسازد، شاید مورد توجه کسی نباشد ولی برای کودک این اولین گام در عالم هنر است. هنگامی که طفل با مداد خطوط درهم و برهمی میکشد، از نظر ما اهمیتی ندارد ولی طفل با این خطوط به نظر خودش شکل خانه ای را کشیده است یا منظره ای را نشان داده است و این اولین وساده ترین مرحله پیشرفت هنر نقاشی است. اولین بار که انسان ابتدایی پر رنگین حیوانی را که شکار کرده بود میان موهای خود گذاشت و یا پوست شیر یا پلنگی را که کشته بود به کمرش بست، قدمی در راه نشان دادن زیبایی برداشته است، انسان ابتدایی پوست حیوانات را برای جلوگیری از سرما به خود نمی بست، بلکه برای زیبا شدن و جالب بودن اینکار را میکرده است، که بعدا به صورت پوشش بدن عادت و معمول گردیده است.

داروین میگوید وقتی به یکی از افراد قبیله فویجی لباس پنبه ای سرخ رنگی داد، آن مرد لباس را پاره پاره کرد و هر قسمت را به یکی از دوستان خود بخشید و آنها تکه های لباس را بعنوان زینت به خود آویختند.

بنابراین انسان برای زیبا شدن و جلب نظر دیگران، دست به انجام کارهایی زده که سرانجام باعث پیدایش هنرهای مختلف از قبیل نقاشی ورقص و موسیقی گردیده است. در خصوص زیبایی باید گفت که شرایط زیبایی بستگی به زمان و مکان دارد و نمیتوان شرایط خاص و ثابتی را برای زیبایی در نظر گرفت، زیرا چیزی که به نظر یک نفر زیبا میاید ممکن است نظر دیگری را به خود جلب نکند یا چیزی که امروز زیبا و مطلوب به نظر میرسد ممکن است در ادوار بعدی زشت و نا مطلوب جلوه نماید. دهان کوچک یکی از شرایط زیبایی بود چنانکه شاعران هم در این زمینه شعر زیاد سروده اند. موهای بلند یکی از مظاهر زیبایی بود هوانرا به کمند تشبیه میکردند. اما امروزه همه زلفها را برای زیبایی کوتاه میکنند و اگر کسی گیسوی بلند داشته باشد، میگویند دهاتی است.

اکثر سیاهان، زنی را زیبا میدانند که لاغر نباشد و هر قدر زن وزین تر باشد بیشتر طالب دارد، حتی در بعضی از قبایل زن را قبل از ازدواج وزن میکنند، اما امروزه بیشتر مردم جهان زن لاغر را زیبا میدانند.

در بعضی قبایل زنی زیباست که گوشهای بزرگ داشته باشد. زنان بعضی قبایل آفریقا برای زیبایی، دندانهای خود را رنگ میکنند تا بیشتر جلب توجه کنند. یکی از سیاحان مینویسد ملکه یکی از قبایل کنگو برای زیبا جلوه کردن، حلقه مسی بدور گردن خود میانداخته که وزن آن چندین کیلو بوده است.

مقصود از ذکر مطالب بالا این است که زیبایی شرایط خاص و ثابتی ندارد، و در زمانهای مختلف عقاید مختلفی در این باره اظهار شده است که میل به زیبا شدن هنر را به وجود آورده است. در معابد و قبوری که از هزاران سال قبل باقیمانده، گردنبندهایی از صدف، مروارید، دندان و استخوان حیوانات که تزیین شده، دیده میشود که بیانگر تمایل انسان به زیبایی است.

مجسمه سازی نیز مانند نقاشی از فن کوزه گری پیدا شده است، وقتی گل برای ساختن ظروف آماده شد کم کم مجسمه هایی از انسان و حیوان ساخته شد و تزییناتی به کار رفت و هنر به صورت مجسمه سازی جلوه گری کرد. وقتی عقاید مذهبی تکامل پیدا کرد، انسانها صورت خدایان متعدد را از سنگ و چوب ساختند و برای آنها معابدی به وجود آوردند و حداکثر هنر خود را در جایگاه خدایان نشان دادند و از اینجاست که هنر در خدمت دین در می آید.

انسان از نغمه های پرندگان لذت میبرد است و جست و خیز حیوانات را تقلید میکرده است، که این مقدمه پیدایش آواز و رقص شده است. رقص امروزه یکی از تفریحات و سرگرمیهاست، ولی در نظر انسان ابتدایی یکی از امور جدی بشمار میرفته است، زیرا آنها نذرشان از رقص نشان دادن امیال و آرزوهایشان به خدایان بوده است. در هر موقعی این رقصها تعبیر خاصی داشته است، رقصیدن در موقع اجرای مراسم مذهبی در مقابل خدایان مفهوم دیگری داشته است و رقص هنگام بازگشت رئیس قبیله از جنگ، مفهوم دیگر.

انسان ابتدایی از شاخ و پوست حیوانات آلات موسیقی میساخت کم کم از ترکیب موسیقی و آواز و رقص هنر نمایش و تئاتر پیدا شده است. بومیان شمال غربی استرالی، مرگ و زندگی را به شکل خاصی نمایش میدادند. رقصکنندگان با حرکت ملایمی سر خود را به طرف زمین خم میکردند و آنرا در میان شاخه های درختی که در دست داشتند پنهان میکردند به این ترتیب مرگ را مجسم میکردند در این هنگام رئیس دسته اشاره میکرد، همه ناکهان سر بر میداشتند و با شدت و حرارت زیادی به رقص میپرداختند و به این ترتیب زندگی دوباره را نمایش میدادند و این امر کم کم مقدمه پیدایش هنر گردید.

نقاشی

حرکت انسان بر روی زمینهای مرطوب و ماسه های کنار رودخانه و دیدن اثرات پای انسان را متوجه کرده است که گل نقش پذیر است و این توجه مقدمه پیدایش هنر و ساختن ظروف گلی با نقشهای مورد نظر و ساختن مجسمه های مختلف گردیده است .

انسان ابتدایی برای نشان دادن افکار و عواطف و تجسم تصورات دینی خود پس از آشنایی و اطلاع از شکل گیری خاک مرطوب متوجه نقاشی و نگارگری و مجسمه سازی گردید و با کشیدن نقوش مختلف بر روی گل و شن احساسات خود را ظاهر کرد و کم کم با نقاشی و نگارگری آشنا گردید و با شیره گیاهان و میوه ها و گلها به رنگ آمیزی پرداخت که امروز در حفاریها در روی سفالها آثار آن را مشاهده میکنیم .

در نقاشی غارها بیشتر صورت حیوانات درنده و پرندگان و حیواناتی که آرزوی شکار آنها را داشته منقوش است و گاهی میدانهای جنگ نشان داده شده است. کم کم نقاشی و مجسمه سازی وسیله نشان دادن افکار و عواطف انسانها گردید و بهمین دلیل با افکار مذهبی ارتباط پیدا کرد .

تصاویر حیواناتی که در روی سفال کشیده شده مخصوصا نقش بز کوهی که حیوان ملی ایرانیان است دارای روح و سادگی خاصی است و در بسیاری از آثار سفالی گذشته دیده میشود زیرا بز کوهی مظهر فراوانی و روئیدنیها بوده است .